

بررسی موسیقی شعر اسیر شهرستانی با تاکید بر تاثیر اوضاع اجتماعی بر شکل گیری آن

بهرام خوشنودی چروده^۱
زویا واحدپور^۲

چکیده

بسیاری هنر را تحت تاثیر ساختار وجودی جامعه ای می دانند که در آن پای به عرصه ظهور گذاشته است. با این رویکرد، پژوهش حاضر به بررسی موسیقی غزلیات اسیر شهرستان شاعر توانای قرن یازدهم از نظر وزن، قافیه و ردیف پرداخته است. استخراج همه اوزان، تعیین قوافی مختلف و ردیف های متفاوت و بسامد کاربرد هر یک، برای رسیدن به پاسخ اصلی این پژوهش است، که آیا موسیقی غزلیات اسیر تحت تاثیر اوضاع اجتماعی عصر خود بوده است؟ ۵۲۳ غزل در دو وزن رمل و هزج (از مجموع ۸۷۱ غزل) سروده شده که هر دو از اوزان متوسط ثقیل محسوب می شوند، و به علت طولانی بودن، مجال تفکر و تأمل بیشتری به شاعر می دهد، حاکی از اندوه و تألمی است که در نتیجه نابسامانی های اجتماعی بعد از حمله مغول، به تدریج به وجود آمده است. جریانی که اوزان شاد را کم رنگ کرده و دستگاه های حزن انگیز را باقی گذاشته است و باعث شده که بسامد اوزان شعری کسانی چون اسیر در اوزان غمگین بیشتر گردد.

واژه های کلیدی: اسیر شهرستانی، موسیقی شعر، اوضاع اجتماعی

مقدمه

میرزا جلال الدین محمد پسر میرزا مؤمن شهرستان اصفهانی از خاندانی بزرگ و از سادات محترم اصفهان بود که به سال ۱۰۲۹ هـ ولادت یافت و در دوران شاه عباس بزرگ و شاه صفی و شاه عباس دوم زندگی کرد و از همطرازان میرزا صائب شاعر استاد عهد صفوی بود. دوره جوانیش به کسب دانش و ادب و مجالست با اهل ذوق و هنر گذشت و بزودی در شاعری نام برآورد. خاندان او در عهد پادشاهان اخیر صفوی در اصفهان اهمیت و معروفیت بسیار داشت و بسبب همین اهمیت خانوادگی بود که بنا بر بعضی روایتها میرزا جلال بدامادی شاه عباس برگزیده و مفتخر گشت و چندی شاگرد فصیحی شاعر معروف معاصر شاه عباس اول بود. مقام بلند اجتماعی میرزا جلال و انتسابش به خاندان شاهی و ذوق ادبی و هنری وی مایه آن بود که محفل او محل اجتماع اهل ادب و سخنوری گردد و بزرگانی چون کلیم و صائب وی را در سخنان خود بستایند.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا - ایمیل:

b.khooshnodi@iau-astara.ac.ir

۲. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

در سال مرگ او اختلاف است. تاریخ وفات او را ولی قلی بیک شاملو در سال ۱۰۵۸ هـ در ولایت اصفهان لبیک اجابت گفته، مدفنش در روضه امام ثامن ضامن ... نوشته است.

از دیوان اسیر نسخه های متعدد موجودست و بسال ۱۸۸۰ نسخه یی ناقص از آن در لکنهو بطبع رسید. مجموع اشعارش را از قصیده و غزل و مثنوی و قطعه و ترجیع و ترکیب و تخمیس و رباعی تا بیست هزار بیت نوشته اند ولی در نسخه های متداول کمتر از آنست. قصیده هایش در مدح امامان و بعضی از قطعه هایش در ستایش شاه صفی است. اسیر یکی از شاعرانیست که در سیر تکامل سبک شعر در سده یازدهم اثر آشکار دارد. اهمیت او در آنست که بنیاد معانی خود را چنان بر تخیل و توهم نهاده است که هیچ مضمون و نکته یی در سخنش خالی از آن نیست بلکه هر یک از آنها مسبوق به تصورات دور و دراز و مضمون جوییهای باریک از همه آن چیزهاست که گرداگرد او یا در محیط دید و درک او وجود دارد. مثلاً، کارش از ملالت بدانجا میکشد که پهنای زمین و آسمان بر او تنگ می شود و فلک با آن همه گشادگی و برافراشتگی چون خیمه یی کوتاه بر سرش سنگینی می کند و چشم انداز او را تاریک و محدود می سازد، ناله برمی آورد و می خواهد که دامن خیمه را بالا زنند تا مگر از احساس آن تاریکی و سنگینی برهد و در حال چنین تخیلی است که میگوید:

خاطرم زیر فلک از جوش دلتنگی گرفت
دامن این خیمه کوتاه را بلا زیندا!
هیچ غزل اسیر نیست که خالی از اینگونه خیال پردازیهای زیبا و بیتهای استادانه وهم انگیز باشد اما برای درک سخن اسیر، خواننده باید مانند خود او وارد عالم خیال شود و با شاعر همگام گردد و هر چه بیشتر در این راه پیش رود بیشتر به درک سخن وی توفیق خواهد یافت. (تاریخ ادبیات ایران، ۱۳۸۲: ۴۹۶-۴۹۴)

۱. کاربرد اوزان عروضی در غزلیات اسیر شهرستانی
اسیر شهرستانی در غزلیات خود از ۱۰ بحر عروضی بهره برده است که به ترتیب عبارتند از:
- بحر رمل، ۲۹۱ غزل، نمونه ای از غزل اسیر شهرستانی که در بحر رمل سروده شده است:
شام تنهایی اسیر از آتش سودای اوست
کرده صبح مشرق دل دود آه خویش را

(اسیر شهرستانی، ۱۳:۲۴)

وزن غزل فوق «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)» و بحر شعری آن «رمل مثنی محذوف (مقصور)» است.

- بحر هزج، ۲۳۳ غزل، مثال:
چه گویم با کسی راز دل دیوانه خود را
که خوابم می برد گر سرکنم افسانه خود را
(همان، ۱۱:۱۸)

وزن غزل فوق «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» و بحر شعری آن «هزج مثنی سالم» است.

- بحر مضارع، ۱۶۲ غزل، مثال:
آسودگی کجا دل بیتاب من کجا
شوق سفر کجا و قرار وطن کجا
(همان، ۳:۱)

وزن غزل فوق «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» و بحر شعری آن «مضارع مثنی مخرب مکفوف محذوف» است.

- بحر مجتث، ۹۵ غزل، مثال:
چون نمی کند از خویشتن جدا ما را
چه احتیاج به یاران آشنا ما را

(همان، ۶:۶)

وزن غزل فوق «مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلن» و بحر شعری آن «مجتث مِثمن مَخبون مقصور» است.

- بحر خفیف، ۶۶ غزل، مثال:

سیر کن نورسیده ما را
وحشت آرمیده ما را

(همان، ۱۰:۷)

وزن غزل فوق «فاعلاتن مفاعِلن فَعَلن» و بحر شعری آن «خفیف مسدس مَخبون محذوف» است.

- بحر متقارب، ۱۳ غزل، مثال:

چو آیینه در دل گدازم نفس را
شکستن مبادا طلسم قفس را

(همان، ۲۰:۱۲)

وزن غزل فوق «فعولن فعولن فعولن فعولن» و بحر شعری آن «مقارب مِثمن سالم» است.

- بحر رجز، ۵ غزل، مثال:

از صبر من آزرده شد تا چند آزارش کنم
یک چند هم بیتابی دانسته در کارش کنم

(همان، ۷۷۷:۳۷۷)

وزن غزل فوق «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» و بحر شعری آن «رجز مِثمن سالم» است.

- بحر سریع، ۳ غزل، مثال:

گریه ز چشمم به امان آمده است
نال ز آهم به فغان آمده است

(همان، ۲۷۹:۱۳۲)

وزن غزل فوق «مفتعلن مفتعلن فاعلن» و بحر شعری آن «سریع مسدس مطوی مکشوف» است.

- بحر منسرح، ۲ غزل، مثال:

چرخ به تسلیم پیشه دست ندارد
خاک ز افتادگی شکست ندارد

(همان، ۴۷۹:۲۳۷)

وزن غزل فوق «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» و بحر شعری آن، منسرح مِثمن منحور» است.

- بحر مقتضب، ۱ غزل، مثال:

تیغ به کفش دیدم خون من به جوش آمد
خنده زد گل زخمی ناله در خروش آمد

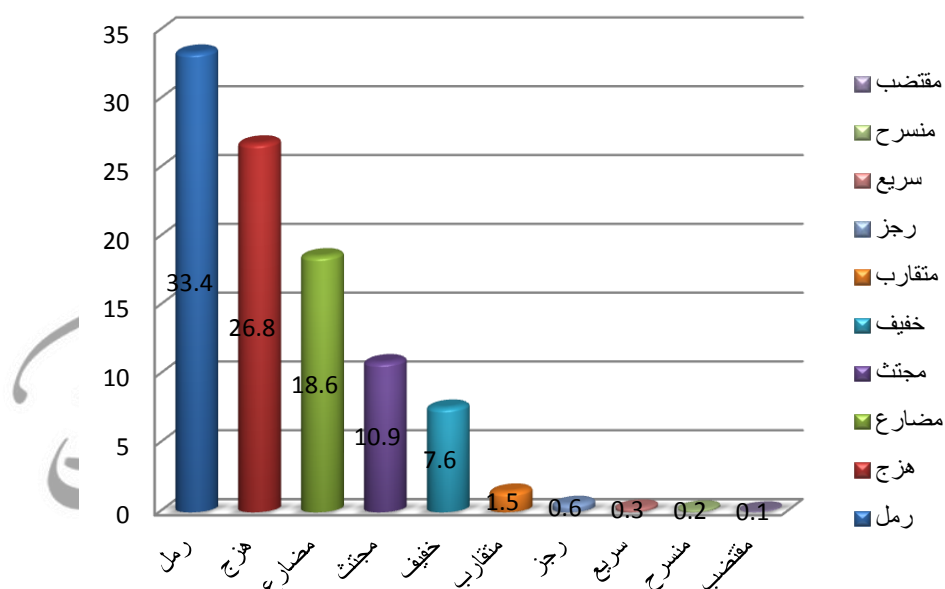
(اسیر، ۵۷۱:۲۷۷)

وزن غزل فوق «فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن» و بحر شعری آن «مقتضب مِثمن مطوی مقطوع» است.

از مطالب فوق پیداست که اسیر شهرستانی بحر رمل را در سرودن غزلیات خود بیش تر از سایر بحور عروضی استفاده نموده است که بیش از ۳۳/۴ درصد غزلیات را دربر می گیرد و بحر هزج با بیش از ۲۶/۸ درصد از اوزان پرکاربرد

محسوب میشود و بحر مضارع با ۱۸/۶ درصد و بحر مجتث با بیش از ۱۰/۹ درصد و بحر خفیف با ۷/۶ درصد جزء اوزان نسبتاً پرکاربرد غزلیات اسیر شهرستانی است. کم‌کاربردترین بحر در قالب شعری، بحر مقتضب ۰/۱ درصد غزلیات را شامل میشود و بحر منسرح با ۰/۲ درصد و بحر سریع با ۰/۳ درصد و بحر رجز با ۰/۶ درصد و بحر متقارب با ۱/۵ درصد از اوزان کم‌کاربرد به شمار می‌رود. در نمودار زیر کاربرد اوزان عروضی در غزلیات نمایش داده شده است.

نمودار شماره ۱: کاربرد اوزان عروضی غزلیات



جدول شماره ۱: جدول بسامدی کاربرد اوزان و بحور مختلف در غزلیات اسیر شهرستانی

بحر	زحاف	وزن	تعداد
ج	رمل مثنی محذوف (مقصور)	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلن)	۱۶۴
	رمل مسدس محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۶
	رمل مثنی مخبون، مخبون محذوف	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	۸۱
	رمل مثنی مخبون محذوف	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	۱۶
	رمل مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن فعلاتن فعلن	۳
	رمل مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن فعلاتن فعلن	۱
	جمع		۲۹۱
د	رجز مثنی سالم	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۲
	رجز مثنی مطوی مخبون	مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن	۲
	رجز مربع مرفل یا مقارب مثنی اثلیم	مستفعلن فع مستفعلن فع	۱
	جمع		۵
س	هزج مثنی ائرب	مفعولن مفاعیلن مفعولن مفاعیلن	۲
	هزج مثنی ائرب مکفوف مقصور	مفعولن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۵۷
	هزج مثنی سالم	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۹۷
	هزج مسدس مقصور	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۵۴

۲۳	مفعول مفاعیل مفاعیل	هزج مسدس اخرج مقبوض مقصور	
۲۳۳	جمع		
۷	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	مضارع مثنی اخرج	مضارع
۱۵۵	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن	مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف	
۱۶۲	جمع		
۱	فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن	مقتضب مثنی مطوی مقطوع	مقتضب
۱	جمع		
تعداد	وزن	زحاف	بحر
۳	مفتعلن مفتعلن فاعلن	سریع مسدس مطوی مکشوف	سریع
۳	جمع		
۲	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع	منسرح مثنی مطوی منحور	منسرح
۲	جمع		
۱۱	فعولن فعولن فعولن فعولن	متقارب مثنی سالم	متقارب
۱	فعولن فعولن فعولن فعول	متقارب مثنی مقصور	
۱	فعولن فعولن فعولن فعل	متقارب مثنی محذوف	
۱۳	جمع		
۹۵	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فعلن	مجتث مثنی مخبون مقصور	مجتث
۹۵	جمع		
۶۳	فاعلاتن مفاعیل فعلن	خفیف مسدس مخبون محذوف	خفیف
۳	فاعلاتن مفاعیل فعلن	خفیف مسدس مخبون	
۶۶	جمع		
۸۷۱	جمع کل		

۲. تأثیر اوضاع اجتماعی بر نوع وزن غزلیات اسیر

اسیر شهرستانی در غزلیات نزدیک به ۳۲۶ بار از اوزان متوسط ثقیل که آهنگی متین و غم‌انگیز دارد استفاده کرده است. دکتر خانلری در بررسی دیوان شعرا از قرن ششم تا قرن سیزدهم در مورد استعمال این دو وزن یعنی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن» و «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»، به این نتیجه رسیده است که بحر رمل مثنی محذوف در نیمه اول قرن ششم استعمال بیشتری داشته و در نیمه دوم همان قرن به خاطر توجه شعرا به اوزان کوتاه کمتر مورد توجه قرار گرفته و باز در قرن هفتم و هشتم مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. ایشان معتقدند که نیمه‌های قرن هشتم، اوزان مورد استعمال ضربی‌تر و سرورآورتر است و از آن به بعد به دلیل مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی که در اثر حمله بنیان‌کن مغول به تدریج به وجود آمد، وزن‌های متوسط ثقیل خصوصاً بحر رمل مثنی محذوف چون از آهنگی سنگین و متین برخوردار است و در موسیقی آن حزن و اندوهی نهفته است رواج بیشتری می‌یابد و در مقابل اوزان بلند ثقیل مثل بحر رمل و رجز مثنی سالم به علت ضرب آهنگی و نشاط و هیجانی که در آن نهفته است از رواج کمتری برخوردار است. (صبور، ۱۳۷۰: ۴۰۳ به نقل از خانلری، ۱۳۷۳: ۲۰۲)

لازم به ذکر است که ملک‌الشعراى بهار به تأثیر حمله مغول بر دستگاه‌های موسیقی اشاره کرده و گفته:

حمله مغول سبب شده بعضی از دستگاه‌های موسیقی که شاد بوده‌اند از بین رفته و دستگاه‌های حزن‌انگیز باقی مانده‌اند و «اگر کسی مسبوق به موسیقی ایران نبوده آواز ساز و زمزمه خواننده را بشنود خیال می‌کند آن‌ها عزایی دارند و نوحه می‌خوانند.» (بهار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۹۸)

کاربرد اوزان متوسط ثقیل در دیوان اسیر شهرستانی نزدیک به ۳۷/۴۲ درصد است که نظر دکتر خانلری را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اوضاع سیاسی اجتماعی در کاربرد اوزان خاص بسیار مؤثر است.

همانطور که می‌دانید یکی از علل و عوامل تأثیرگذار بر محتوا و ساختار شعر، محیط و نابسامانی‌های روزگار است، نابسامانی‌های اجتماعی و جنگ و نزاع‌ها و ... سبب رقت عواطف و لطافت احساسات در این دوره شده است و شعرا با تمام وجود با رنج و درد و غم و اندوه، آشنایی داشته و چرخش روزگار و شد آمد قضا و قدر را خوب می‌فهمیده‌اند و این مسائل باعث شده است که درون‌گرایی، پرداختن به تصورات و خیالات دور و غریب، بیان اندیشه‌ها و تفکرات پیچیده و دور از ذهن، استفاده از اوزان متوسط ثقیل ویژگی عمده شعر آنها شود.

لازم به ذکر است که محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرن دهم و یازدهم بر زندگی شاعر اثر گذاشته، عواطف و احساساتش را دگرگون ساخته است، به همین دلیل به یقین نمی‌تواند مانند شعرای گذشته شعر بسراید، زیرا تغییر محیط اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر سبک شعر باعث می‌شود زبان و نگاه شاعر و اندیشه‌ها و تفکرات او تغییر کند. نامایمات و نابسامانی‌های اجتماعی و ... سبب ایجاد روحیه‌ای افسرده، ناامید و بدبین در شاعر می‌شود. با توجه به چنین تأثیری، می‌بینیم که اسیر بیشتر، وزن‌هایی را به کار برده است که در موسیقی آن حزن و اندوهی وجود دارد.

در مقابل کاربرد اوزان متوسط ثقیل، اوزان بلند ثقیل است که بیشتر نشان‌دهنده نشاط و هیجانی است که در وجود شاعر؛ تحت تأثیر، اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی وجود نداشته و یا بسیار ناچیز است. در اشعار اسیر، دو بحر رجز و هزج مثنی کامل ۹۹ بار به کار رفته است که ۱۱/۳۶ درصد کاربرد اوزان را به خود اختصاص می‌دهد. وزن‌های کوتاه و متناوب و دیگر اوزان ... درصد کاربرد اوزان را تشکیل می‌دهند.

حال اگر از این زاویه به وزن غزلیات اسیر شهرستانی بنگریم، متوجه می‌شویم که وزن‌های آرام و ملایم بیشتر مورد توجه او قرار گرفته‌اند تا وزن‌های ضربی و پر حرکت.

نتایج بررسی اوزان در کل اشعار

اسیر شهرستانی در دیوان خود ۸۷۱ غزل را در ۱۰ بحر سروده است که از میان ۱۰ بحر به چهار بحر رمل (۲۹۱ بار)، هزج (۲۳۳ بار) و مضارع (۱۶۲ بار) و مجتث (۹۵ بار) بیش از بجز دیگر توجه کرده است که حدود ۸۹/۶۶ درصد اشعارش را تشکیل می‌دهد.

با نگاه اجمالی به مطالب گذشته نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱- پرکاربردترین بحر در اشعار اسیر، بحر رمل مثنی محذوف یا مقصور و کم‌کاربردترین بحر مقتضب مثنی مطوی مقطوع است.

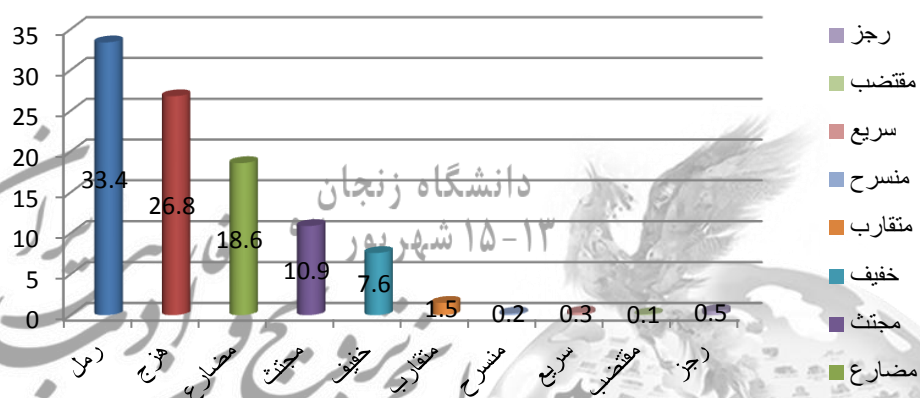
۲- از میان اوزان، وزن‌های متوسط ثقیل که آهنگی متین و غم‌انگیز دارند، بیش از ۳۷/۴۲ درصد وزن اشعار را به خود اختصاص داده‌اند.

۳- اوزان متناوب که از موسیقی شاد و ضربی و نشاط‌آور برخوردارند، بسیار کم بکار رفته‌اند.

۴- با بررسی ۸۷۱ غزل از نظر تعداد افعیل عروضی در هر بیت، مشخص شد که ۶۹۴ غزل مثنی و تنها ۱۷۶ غزل مسدس و ۱ غزل مربع است و این با مضمون‌گرا بودن شاعر که به دنبال وزن‌های طولانی‌تر بوده، همخوانی دارد.

۵- اوضاع سیاسی اجتماعی دوره صفویه و نیز شرایط زندگی و روحیات شاعر در بسامد کاربرد اوزان عروضی بسیار مؤثرند.

نمودار ۲: کاربرد اوزان عروضی غزلیات



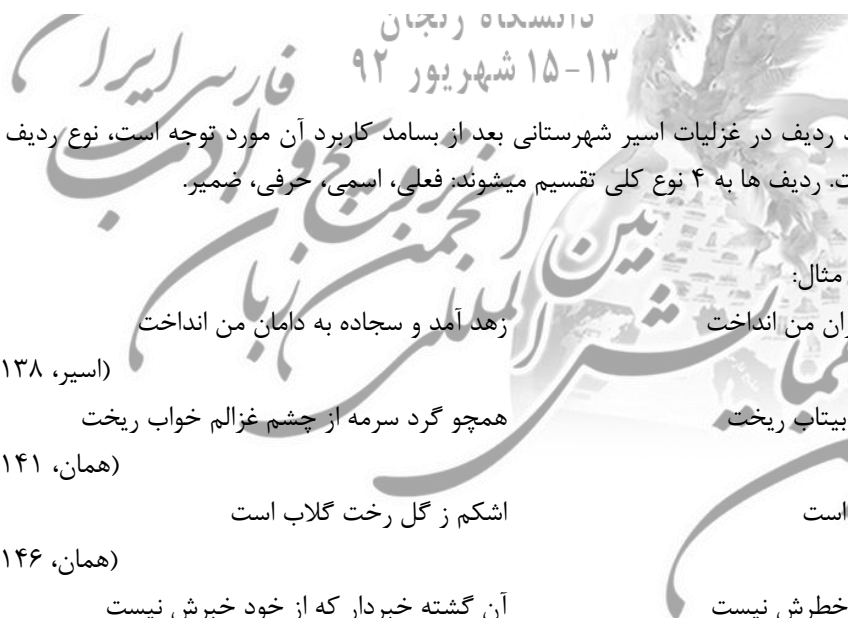
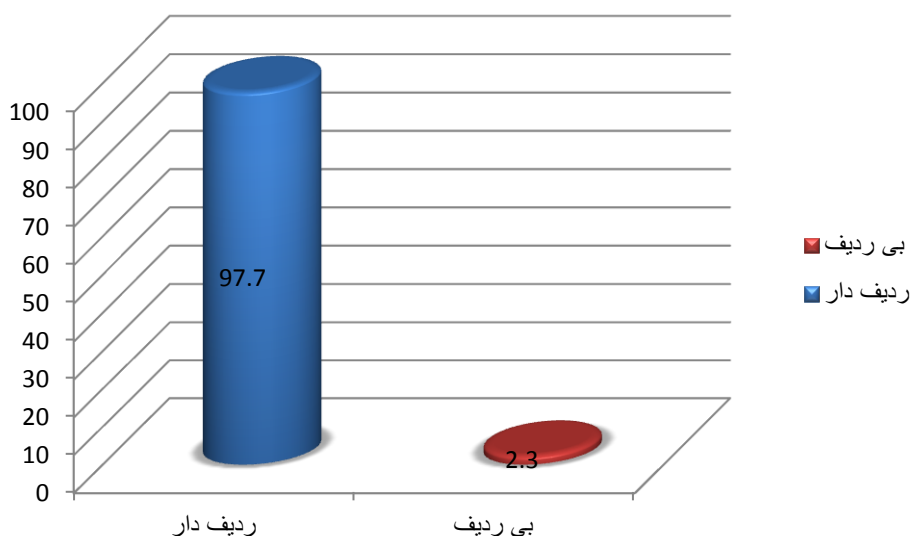
۳. موسیقی کناری

در زمینه‌ی موسیقی کناری (قافیه و ردیف) به نظر میرسد که اسیر شهرستانی از قافیه و ردیف به اشکال مختلف سودجسته است و ردیف‌های فعلی بیشترین کاربرد را دارند. موسیقی کناری گاه گاهی شاعر را به سوی اندیشه‌های بکر و نوینی در شعر هدایت می‌کند، زیرا واژگانی که در پایان ابیات یا بندها قرار می‌گیرند، برجسته‌تر، موزون‌تر و حتی گیراتر از سایر کلمات شعر هستند.

۳-۱. کاربرد ردیف در غزلیات

از مجموع ۸۷۱ غزل او، ۸۵۱ غزل دارای ردیف است و تنها ۲۰ غزل ردیف ندارد. ردیف در زمره‌ی موسیقی کناری شعر قرار دارد و اسیر شهرستانی در غزلیات خود ۹۷/۷۰ درصد از ردیف بهره جسته است و تنها در ۲/۳۰ درصد غزلیات از ردیف استفاده نکرده است.

نمودار شماره ۳: کاربرد ردیف



۱-۱-۳. اقسام ردیف

آنچه درباره‌ی کاربرد ردیف در غزلیات اسیر شهرستانی بعد از بسامد کاربرد آن مورد توجه است، نوع ردیف‌های به کار رفته در اشعار اوست. ردیف‌ها به ۴ نوع کلی تقسیم میشوند: فعلی، اسمی، حرفی، ضمیر.

از ۸۵۱ غزل ردیف‌دار:

- ردیف فعلی، ۵۲۲ غزل. مثال:

می رنگ هوس در دل ویران من انداخت

زهد آمد و سجاده به دامان من انداخت

(اسیر، ۷۲:۱۳۸)

عشق نیرنگ تعافل با دل بیتاب ریخت

همچو گرد سرمه از چشم غزالم خواب ریخت

(همان، ۷۳:۱۴۱)

داغ تو ز بسکه سینه تاب است

اشکم ز گل رخت گلاب است

(همان، ۷۵:۱۴۶)

از راز محبت که گلی جز خطرش نیست

آن گشته خبردار که از خود خبرش نیست

(همان، ۱۶۷:۳۵۲)

به جایی می‌رسد شوقی که الفت راهبر دارد

پر پرواز طوطی رنگ برگ نیشکر دارد

(همان، ۲۳۳:۴۷۲)

- ردیف اسمی، ۸۵ غزل. مثال:

سیرگاه قدح‌کشان مهتاب

شوخی پیر دلجوان مهتاب

(همان، ۶۱:۱۲۱)

دیوانه خطت دل ویرانه بهار

پروانه نگاه تو مستانه بهار

(همان، ۳۱۵:۶۵۳)

خوابم شده تا سرمه بیداری توفیق

صبح از شب من می‌طلبد یاری توفیق

(همان، ۳۴۶:۷۱۰)

لخت جگر پاره بر آه نفس افشان

دامان گل و لاله به پای قفس افشان

محراب دعا ساخته‌ایم آن صف مژگان

حیرت به دعا خواسته‌ام زان صف مژگان

- ردیف ضمیر، ۹۱ غزل. مثال:

آسودگی کجا دل بیتاب من کجا

شوق سفر کجا و قرار وطن کجا

نکرده شکوه بیجا زیارت لب ما

اثر ز خود رود از انتعاش یارب ما

زنجیر شوق ما شده روز و شب دگر

بخت دگر سپهر دگر کوكب دگر

هر گردش چشم تو پریخانه دیگر

هر سایه مژگان تو دیوانه دیگر

رو دیده‌ام ز گرمی بی اختیار تو

تاثیر عشق کرد مرا شرمسار تو

- ردیف فعل و ضمیر، ۸۱ غزل. مثال:

خواب، پرواز حرام است مرا

آشیان حلقه دام است مرا

جذبه‌ها زین کوشش بی بال و پر دیدیم ما

کعبه و بتخانه را در یک سفر دیدیم ما

خار و گل را جوش یک پیمان می‌دانیم ما

سینه بیگانه را افسانه می‌دانیم ما

در محبت از جنون امداد می‌خواهیم ما

دام داریم از خدا صیاد می‌خواهیم ما

دلی ز دور به صد رنگ می‌نمایندت

چو آب گشت دلت سنگ می‌نمایندت

- ردیف اسم و ضمیر، ۱۲ غزل. مثال:

آینه خرد حسن ز بازار دل ما

سوگند خورد عشق به دیدار دل ما

گشته آینه بقرار خطت

شده طوطی مگر شکار خطت

داروی هوش و هوش‌ربایی خوشا دلت

آینه ساز عربده‌هایی خوشا دلت

پرده چشم سمن پیراهنت

جای بوی پیرهن پیراهنت

(همان، ۳۸۷:۸۰۱)

(همان، ۳۸۷:۸۰۲)

(همان، ۴:۱)

(همان، ۳۸:۷۳)

(همان، ۳۲۱:۶۶۸)

(اسیر، ۳۲۳:۶۷۱)

(همان، ۳۹۹:۸۳۲)

(همان، ۱۷:۳۲)

(همان، ۴۸:۹۴)

(اسیر، ۴۹:۹۵)

(همان، ۵۰:۹۶)

(همان، ۷۴:۱۴۵)

(همان، ۴۶:۸۹)

(همان، ۱۸۱:۳۸۱)

(همان، ۱۹۲:۴۰۰)

تفسیر خموشی شده گویایی عشقم

شرمنده احسان شکیبایی عشقم

(همان، ۱۹۲:۴۰۱)

(همان، ۳۷۳:۷۶۷)

- ردیف حرفی، ۶۰ غزل. مثال:

یا جلوه مده فرشته‌ها را

یا خام مکن برشته‌ها را

(همان، ۹:۱۳)

چه گویم با کسی راز دل دیوانه خود را

که خوابم می‌برد گر سر کنم افسانه خود را

(همان، ۱۱:۱۸)

زوالی نیست دست پیشتر را

زدم در پرده راه هر نظر را

(همان، ۱۱:۱۹)

مو به مو مژگان تر باید شکار عشق را

گریه بسیار است ابر نوبهار عشق را

(اسیر، ۱۴:۲۶)

گر صدق کلامت ندهد بال یقین را

۱۳-۱۵ پرواز تجرد که دهد روح امین را

(همان، ۲۵:۵۱)

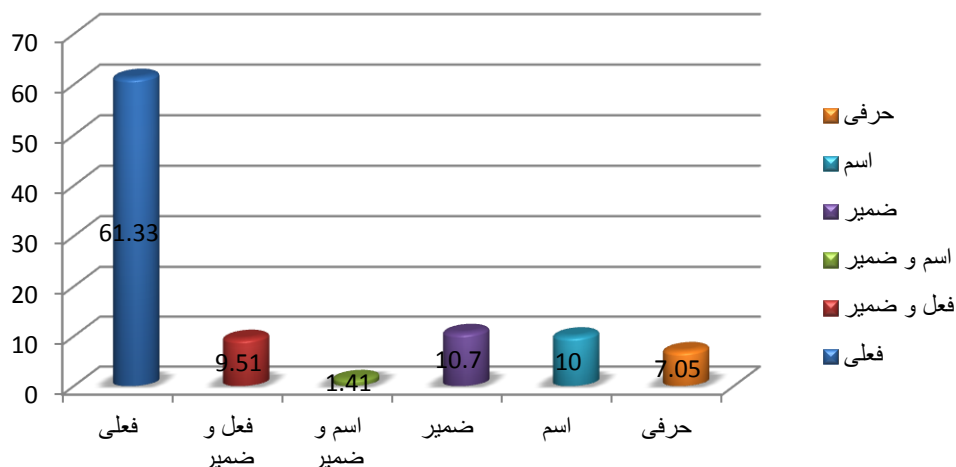
ای نام تو قبله زبانه‌ها

چشم دلها چراغ جانها

(همان، ۵۵:۱۰۹)

نکته بسیار مهمی که در مورد ردیف‌های اسیر شهرستانی قابل ذکر است این است که بیش از ۶۱/۳۳٪ درصد اشعار مردف او دارای ردیف فعلی می‌باشد که این امر باعث پویایی فضای شعری وی شده است. وی در اشعار خود ۱۰/۷۰٪ درصد از ردیف ضمیر، ۹/۵۱٪ درصد از ردیف فعل و ضمیر و ۱/۴۱٪ از ردیف اسم و ضمیر و ۱۰٪ از ردیف اسمی و ۷/۰۵ درصد از ردیف حرفی استفاده کرده است که نسبت به ردیف فعلی کاربرد آن ناچیز به نظر می‌رسد. نمودار زیر کاربرد ردیف‌های فعلی، فعل و ضمیر، اسم و ضمیر، اسمی، حرفی و ضمیر را در کل دیوان غزلیات اسیر شهرستانی نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۴: کاربرد اقسام ردیف در غزلیات



لازم به ذکر است که از بررسی ردیف‌ها میتوان به روحیات و شخصیت شاعر پی برد. شاعری که از ردیف‌های اسمی بیش‌تر استفاده میکند، «بیش‌تر اهل تجرید و انتزاع و سکون ایستایی» میباشد و شاعری که ردیف‌های فعلی را بیش‌تر به کار می‌برد، بیش‌تر اهل تجربه و رفتار و حرکت است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۴۱۳)

میتوان گفت که اسیر شهرستانی نیز به خاطر استفاده‌ی بیش‌تر از ردیف‌های فعلی دارای شخصیتی فعال و پویاست که حاکی از تأثیر اوضاع اجتماعی بر روحیات شاعر می‌باشد

۳-۱-۲ تکرار ردیف در کل اشعار

تکرارهای قابل رویت که اصطلاحاً آن‌ها را تکرارهای مرئی شعر می‌گویند، جلوه‌های خاص هنری ردیف‌های جذاب اسیر است که در این دوره اوج بهره‌مندی شاعران را از انواع ردیف نشان میدهد و از عوامل مختلفی مانند گسترش، پویایی و تنوع ردیف‌ها نشأت می‌گیرد.

آنچه امتیاز اصلی اشعار اسیر در شعر فارسی است، نوع ردیف‌هایی می‌باشد که در اشعار خود استعمال نموده است و غالباً این ردیف‌ها نقشی را در معنای اشعار ایفا نمی‌کنند و صرفاً تکرار آنها یک نوع لذت صوتی به وجود می‌آورد و جنبه‌ی غنایی اشعار را پُر بار می‌کند که می‌توان موقع خواندن از نظر معنی آنها را نادیده گرفت. شفیعی کدکنی در این باره می‌گوید: «شعر جز به موسیقی رساندن زبان، وظیفه‌ای ندارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۴۱۱)

به عبارت دیگر می‌توان گفت تکرار مرئی یکی از جلوه‌های موسیقی کناری میباشد. برای درک بهتر این مطلب ردیف‌های تکراری در اشعار اسیر را بررسی می‌کنیم:

- در ردیف فعلی بیشترین تکرار، فعل «است» با ۳۷ مورد و فعل «دارد» ۲۵ مورد و فعل «نیست» ۱۵ مورد تکرار شده است. مثال:

که در دل یاد چشمش مست خواب است

از آنم دل عدوی اضطراب است

(اسیر، ۱۴۷: ۷۵)

شایان ذکر است که کلمه‌ی «است» به همراه سایر کلمات نیز به عنوان ردیف استعمال شده است که در کل، تعداد آن به بیش از ۱۵۰ مورد می‌رسد.

- در ردیف حرفی بیشترین تکرار، حرف «را» با ۲۳ مورد می‌باشد. مثال:
کس طی می‌تواند کرد راه این بیابان را
که پای شوق او از سبزه نشناسد مگیلان را
(اسیر، ۵۰:۲۵)

- در ردیف ضمیر بیشترین تکرار ضمیر «ما» با ۲۳ مورد می‌باشد. مثال:
فهمیده چشم شوخ تو حال خراب ما
غوغای ناز تا چه کند با حجاب ما
(اسیر، ۷۲:۳۸)

- در ردیف اسمی بیشترین تکرار اسم «صبح» با ۸ مورد می‌باشد. مثال:
بیند که ز گرد راه او رواج صبح
خورشید تکیه‌گاه نکند تخت عاج صبح
(اسیر، ۴۰۷:۱۹۹)

در واقع شاعران زبان فارسی از ردیف برای کامل کردن قافیه و در نتیجه تکمیل موسیقی و وزن شعر سود می‌جویند و کاربرد استادانه‌ی ردیف، یکی از عوامل موسیقی شعر و تأثیر آن در بعضی موارد باعث ایجاد مضمون تازه در ذهن شاعر می‌شود.

۲-۳. بررسی قافیه در دیوان اسیر شهرستانی
در بررسی کلمه‌های قافیه ابتدا به مقید یا مطلق بودن قوافی توجه شد، تامشخص شود چه اندازه از حروف مشترک بین آنها رعایت شده است. زیرا همانطور که می‌دانید هر چه مشترکات واجی بین کلمه‌های قافیه بیش‌تر باشد، موسیقی قافیه و نیز موسیقی شعر بیش‌تر خواهد شد.

۱-۲-۳. کاربرد حرف رَوی در دیوان اسیر شهرستانی
یکی از نکاتی که در بحث قافیه باید مورد توجه واقع شود، آخرین واج کلمه‌ی قافیه است که اصطلاحاً به آن حرف رَوی می‌گویند. همانطور که میدانید کلمه‌های قافیه یا به صامت ختم میشوند یا به مصوت. آنهایی که به مصوت ختم میشوند به دلیل اینکه دهان، هنگام ادای آن باز است، قابل امتداد و کشش صوتی هستند و خواننده میتواند خود را با ریتم شعر هماهنگ کند و تا جایی که لازم است آهنگ شعر را ادامه دهد. ولی کلمه‌های قافیه که به صامت ختم میشوند نیز بر دو نوع هستند، بعضی از آنها به صامت سایواج ختم میشوند و بعضی به بستواج. قافیه‌هایی که به بستواج ختم میشوند به دلیل این که دهان هنگام تولید آنها بسته یا حالت انسدادی به خود می‌گیرد، قابل کشش و امتداد صوتی نیستند، در نتیجه وقتی شعری قافیه‌ای دارد که به صامت بستواج مانند «ب، پ، م ...» ختم میشود، کشش صوتی ناگهان قطع میشود ولی شعری که دارای قافیه‌ای است که حرف آخر آن از نوع سایواج یا سایشی مانند «س، ش، ز، ...» است چو صامتهای سایشی را میتوان امتداد داد و به اندازه‌ی هوای درون ریه آن را کشید، این کشش به ایجاد موسیقی قافیه نیز کمک شایانی میکند. حال به این رویکرد به بررسی کاربرد حرف رَوی در اشعار اسیر می‌پردازیم.

حروف رَوی قافیه‌های غزلیات اسیر به این ترتیب می‌باشد:

- حرف رَوی «ر» ۱۶۹ غزل. مثال:
مو به مو مژگان تر باید شکار عشق را
گریه بسیار است ابر نو بهار عشق را

(اسیر، ۱۴:۲۶)

شوق سفر کجا و قرار وطن کجا

(همان، ۳:۱)

- حرف رَوی «ن» ۱۳۴ غزل. مثال:
آسودگی کجا دل بیتاب مین کجا

- حرف رَوی «الف» ۱۱۶ غزل. مثال:
مجنون نمی‌کند از خویشتن جدا ما را

(همان، ۶:۶)

- حرف رَوی «ه» ۹۱ غزل. مثال:

دل و جان سیرگاه یار خواه اینجا و خواه آنجا

(اسیر، ۴:۳)

من و بزمی که از خود می‌رود یاد نگاه آنجا

دانشگاه زنجان

۱۳-۱۵ شهریور ۹۲

فارس لیرا

بسیار سوختیم و ز ما دود برنخاست

(همان، ۷۹:۱۵۹)

- حرف رَوی «دال» ۵۲ غزل. مثال:
یک حرف شکوه از لب خشنود برنخاست

- حرف رَوی «ب» ۴۵ غزل. مثال:
روشنگر چشم و دل ما کن شب ما را

(همان، ۶:۷)

صیقل نزند تیره دلی مطلب ما را

- حرف رَوی «لام» ۴۵ غزل. مثال:

مکن در بزم روشن وصف آن شیرین شمایل را

(اسیر، ۱۵:۲۸)

که رشک آتش زند در سینۀ جان شمع محفل را

- حرف رَوی «م» ۴۰ غزل. مثال:

داستی مخصوص من تا لطف عام خویش را

(همان، ۱۲:۲۲)

کردی آزاد از غم عالم غلام خویش را

- حرف رَوی «ت» ۴۰ غزل. مثال:

ز بسکه گردش چشم تو دیده مست مرا

(همان، ۱۸:۳۴)

ز دل ربوده به غیر از تو هر چه هست مرا

- حرف رَوی «ش» ۲۴ غزل. مثال:

گر نمی‌داشت غمش تنگ در آغوش مرا

زود می‌داد به طوفان جنون جوش مرا

(همان، ۲۳:۴۶)

به نیازی که نفهمیده‌ای این ناز چرا

(همان، ۱۰:۱۶)

- حرف رَوی «ز» ۲۳ غزل. مثال:

گفتن راز چرا عریده پرداز چرا

- حرف رَوی «و» ۲۰ غزل. مثال:

قبله عالم میخانه خم ابروها

- حرف رَوی «ی» ۱۷ غزل. مثال:

مپرس خم ز برای چه آشنای دل است

گردش نرگس مستانه رم آهوها

(همان، ۵۶:۱۱۲)

دل از برای غم است و غم از برای دل است

(همان، ۱۰۲:۲۱۴)

- حرف رَوی «غ» ۱۷ غزل. مثال:

چو شمع سوختگی تر کند دماغ مرا

(اسیر، ۲۴:۴۷)

شکاه گرم دهدا روشنی چراغ مرا

- حرف رَوی «ک» ۱۴ غزل. مثال:

دور چشم بد ز سوز سینه غمناک ما

(همان، ۴۴:۸۶)

بعد مردن گل کند یارب سپند از خاک مرا

- حرف رَوی «س» ۱۳ غزل. مثال:

آینه شود دود چراغ نفس ما

(همان، ۴۲:۸۱)

خورشید بود سایه خار هوس ما

- حرف رَوی «گ» ۷ غزل. مثال:

دل بی غم گل بی آب و رنگ است

(همان، ۹۸:۲۰۴)

بهار گلشن آینه رنگ است

- حرف رَوی «ج» ۲ غزل. مثال:

الفت آباد محبت را خراج دیگر است

(همان، ۸۹:۱۸۴)

گریه را سوز دگر غم را رواج دیگر است

- حرف رَوی «ق» ۱ غزل. مثال:

دو جهان از کتاب دل ورقی است

(همان، ۱۴۲:۳۰۱)

زندگی سطری و فنا سبقی است

- حرف رَوی «ف» ۱ غزل. مثال:

خجلت الفت کشد هر دل که با ما صاف نیست

نسخه‌ای رنگین‌تر از مجموعه انصاف نیست

(همان، ۱۶۸:۳۵۴)

حروف «پ، ث، چ، ح، خ، ذ، ژ، ص، ض، ط، ظ، ع» به عنوان حرف رَوی مورد استفاده قرار نگرفته است. از موارد فوق نمایان است که اسیر شهرستانی حرف «ر» را بیشتر از بقیه‌ی حروف به عنوان حرف رَوی در اشعار خود استفاده نموده است که مشتمل بر ۱۹/۴۰ درصد غزلیات میشود و حروف «ف و ق» که فقط یک بار به عنوان حرف رَوی استفاده شده است، هر کدام با ۰/۱۱ درصد کل غزلیات کم‌کاربردترین حروف رَوی در غزلیات محسوب میشوند. جدول زیر کاربرد حروف رَوی در غزلیات را ارائه میدهد.

جدول شماره ۲: کاربرد حرف رَوی در غزلیات

حرف	تعداد	حرف	تعداد	حرف	تعداد
الف	۱۱۶	ر	۱۶۹	ف	۱
ب	۴۵	ز	۲۳	ق	۱
پ	—	ژ	—	ک	۱۴
ت	۴۰	س	۱۳	گ	۷
ث	—	ش	۲۴	ل	۴۵
ج	۲	ص	—	م	۴۰
چ	—	ض	—	ن	۱۳۴
ح	—	ط	—	و	۲۰
خ	—	ظ	—	ه	۹۱
د	۵۲	ع	—	ی	۱۷
ذ	—	غ	۱۷		

۳-۲-۲. قافیه مقید

هر حرف ساکن غیر از حروف «الف»، «واو»، «یاء» (حروف مد یا حرکات بلند) که ماقبل حرف رَوی باشد، آن را حرف قید خوانند. حروف قید در شعر فارسی ده حرف است ولی در زبان و شعر عرب بیشتر می‌باشد. حروف قید در شعر فارسی عبارتند از: «س، ش، ب، ه، ف، ر، خ، ن، غ، ز». این حروف ساکن را که در کلمه قافیه باشد بدان جهت حروف قید گویند که از موضع خویش نقل نکنند و به حرفی دیگر متبدل نشود، مگر به علت تنگی قافیه، که آن نیز از عیوب قافیه محسوب میگردد. چون در کلمات قافیه قبل از حرف رَوی این حروف ساکن قرار گیرند آن کلمه قافیه را مقید گویند و آن حرف رَوی را مقید گویند.

- حرف قید «ن» ۵۴ غزل. مثال:

که پی نبرده صبا هم به آشیانه ما

ز عندلیب چه پرسی نشان خانه ما

(اسیر، ۱۰۰:۵۲)

در بیت بالا حرف «ه» حرف رَوی، و حرف «ن» حرف قید است.

- حرف قید «ش» ۱۰ غزل. مثال:

داد تارج مزن صبر نینیاشته را
در بیت بالا حرف «ت» حرف رَوی، و حرف «ش» حرف قید است.

- حرف قید «س» ۹ غزل. مثال:

ز بسکه گردش چشم تو دیده مست مرا
ز دل ربوده به غیر از تو هر چه هست مرا

(اسیر؛ ۳۴:۱۸)

در بیت بالا حرف «ت» حرف رَوی، و حرف «س» حرف قید است.

- حرف قید «خ» ۸ غزل. مثال:

بسکه از مهر او گداخته صبح

(اسیر، ۴۱۲:۲۰۰)

دانشگاه زنجان
علم ضدق بنفراخته صبح

۱۳-۱۵ شهریور ۹۲

(اسیر، ۴۱۲:۲۰۰)

در بیت بالا حرف «ت» حرف رَوی، و حرف «خ» حرف قید است.

- حرف قید «ر» ۸ غزل. مثال:

تا روغن چراغ دلم درد غربت است

(اسیر، ۱۵۰:۷۶)

اسباب خانۀ وطنم گرد غربت است

در بیت بالا حرف «د» حرف رَوی، و حرف «ر» حرف قید است.

- حرف قید «ف» ۲ غزل. مثال:

چو آینه در دل گدازم نفس را

(اسیر، ۲۰:۱۲)

شکستن مبادا طلسم قفس را

در بیت بالا حرف «س» حرف رَوی، و حرف «ف» حرف قید است.

- حرف قید «ب» ۱ غزل. مثال:

از دل مردم عالم خبری نیست مرا

(اسیر، ۳۵:۱۸)

چه کنم غیر وفا نامه بری نیست مرا

در بیت بالا حرف «ر» حرف رَوی، و حرف «ب» حرف قید است.

- حرف قید «ه» ۱ غزل. مثال:

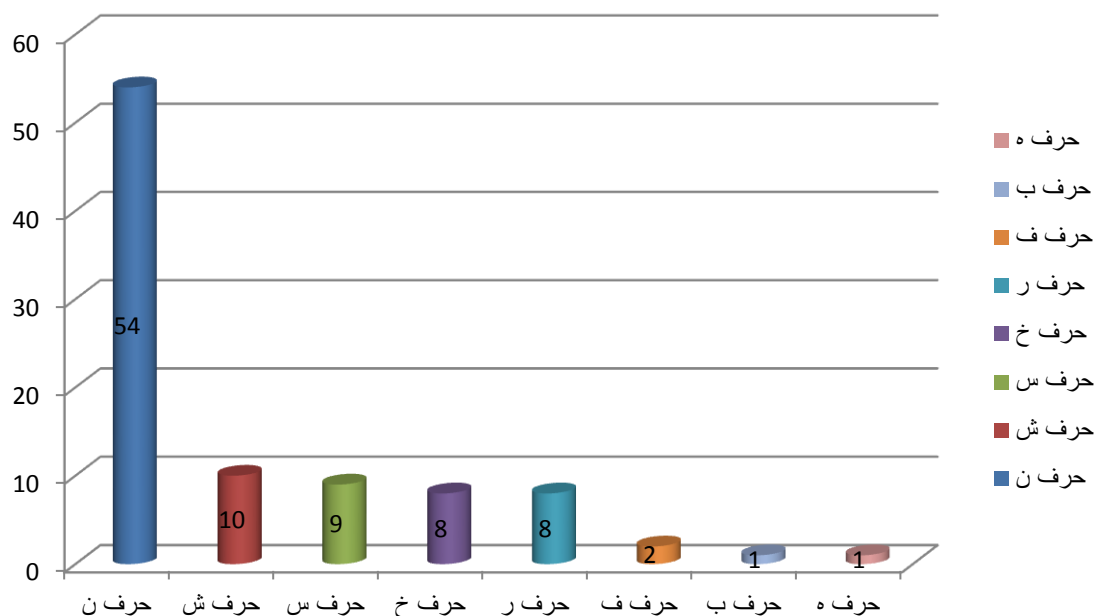
می‌رسد مست شکوه گاهی ها

(اسیر، ۱۱۶:۵۷)

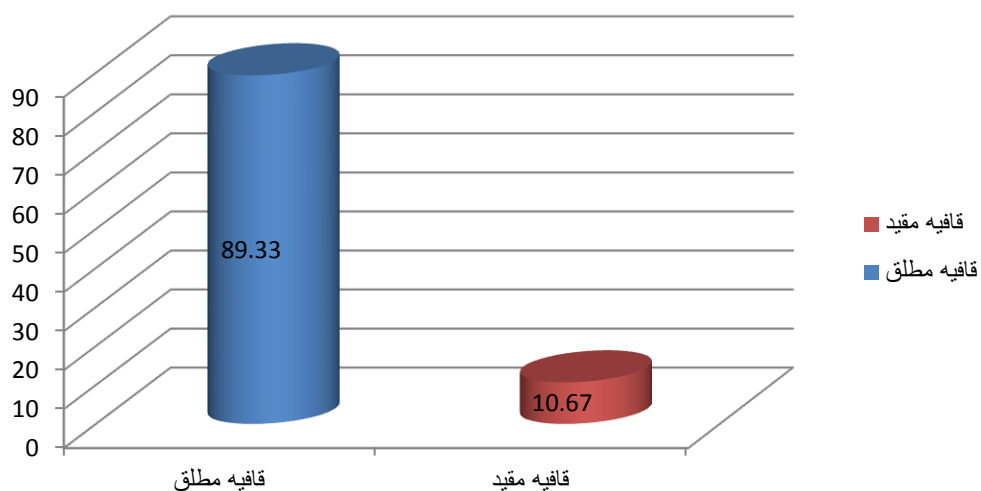
گله مشتاق عذر خواهی ها

در بیت بالا حرف «ی» حرف رَوی، و حرف «ه» حرف قید است

نمودار شماره ۶: کاربرد حرف قید در غزلیات



۳-۲-۳. قافیه مقید و مطلق
 در بررسی قوافی غزلیات اسیر مشخص شد که از ۸۷۱ غزل، ۷۷۸ غزل دارای قافیه‌ی مطلق است و ۹۳ غزل قافیه‌ی مقید دارد
 نمودار شماره ۷: کاربرد قافیه مطلق و مقید در غزلیات



در بررسی قوافی در کل اشعار اسیر به این نکته پی می‌بریم که بیش از ۸۹/۳۳ درصد کل اشعار اسیر را قافیه مطلق و ۱۰/۶۷ درصد کل اشعار را قافیه مقید تشکیل میدهد.

پس نتیجه می‌گیریم که اسیر به ارزش موسیقایی کلمه‌های قافیه توجه کامل کرده است چرا که بیشتر کلمه‌های قافیه در اشعار ایشان از نوع مطلق می‌باشد و وی میدانسته که کلمات قافیه تا چه اندازه بر موسیقی شعر تأثیرگذار است.

معنی این اعداد و ارقام این است که اسیر شهرستانی علم داشته است به این که کلمه‌های قافیه تا چه اندازه در ایجاد موسیقی شعر مؤثرند، به همین دلیل از ردیف برای جبران نقیصه کلمه‌های قافیه استفاده کرده است. در غزلیات، ۸۵۱ غزل دارای ردیف هستند و تنها ۲۰ غزل ردیف ندارند یعنی ۹۷/۷ درصد غزل‌ها دارای ردیف‌های گوناگونند و کمتر از ۲/۳ درصد بی‌ردیف هستند. اسیر به ارزش قافیه و نقش کارکرد ردیف در شعر کاملاً آگاه بوده است. در مورد ردیف‌های شعری اسیر شهرستانی قابل ذکر است که بیش از ۶۱/۳۳ درصد اشعار او از ردیف‌های فعلی استفاده کرده است همین امر سبب شده است فضای شعری او با پویایی و حرکت همراه شود و از ردیف‌های اسمی و حرفی حداقل بهره را برده است زیرا «ردیف‌های اسمی غالباً جامد و ایستایند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۴۱۲) با توجه به مطالبی که گذشت میتوان ویژگی‌های ردیف‌های اشعار اسیر شهرستانی را به اختصار این گونه بیان کرد:

- ۱- ردیف‌های اشعار اسیر شهرستانی بیشتر فعلی هستند و از ردیف‌های طولانی و جمله استفاده میکنند.
- ۲- تنوع در کاربرد ردیف‌ها در سطح اشعار بسیار زیاد است و کمتر از ردیف‌های تکراری استفاده می‌کند.
- ۳- ردیف‌ها در ایجاد خیال مؤثرند. برای نمونه به غزل زیر توجه کنید که ردیف دینامیک «می‌رقصد» چگونه تصاویر متعدد و متنوع علاوه بر پویا ساختن موسیقی شعر، آفریده است:
ز خـو ی سرکشی دل در بر امیـد می‌رقصد که در بزمش دل هر ذره با خـورشید می‌رقصد
شـراب بی محـابای عـدم کـیفیتی دارد که جام از جوش مستی در کف جمشید می‌رقصد
چـنان اجزای هـستی در هوای او به رقص آمد که صد مطلب روایی با دل نومید می‌رقصد
بهار می پرست آمد گل هنگامه‌ها رنـگین خروش ابر می‌خواند هوای بید می‌رقصد
نبیند چشم بدگوش چه صبح است این چه شام است گل خورشید می‌خندد هلال عید می‌رقصد
این (اسیر، ۱۳۷۰: ۲۷۷)

در این غزل با ایمازهای زیبای «رقص دل، رقص جام، رقص هوا، رقص هلال عید» روبرو هستیم که ردیف فعلی «می-رقصد» سبب آفرینش آنها شده است

۴. نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی و طبق ۸۷۱ غزل اسیر شهرستانی و استخراج اوزان و قوافی و ردیف اشعار او، جهت تعیین تأثیر اوضاع اجتماعی بر موسیقی شعرش، این نتایج حاصل می‌گردد:

- ۱- اسیر شهرستانی تحت تأثیر عوامل محیطی و اوضاع اجتماعی عصر صفویه ویژگی‌های فردی بیشتر از وزن‌هایی استفاده کرده است که ریتمی آرام و ملایم دارند نه پر حرکت و ضربی، اشعار او بیشتر حزن‌انگیز و متین است تا نشاط-آور و شاد.

- ۲- از بحرهای بیشتر بهره برده است مثل رمل و هزج که مجال تفکر و تأمل بیشتری به شاعر می‌دهد.
- ۳- اوضاع سیاسی، اجتماعی و محیط زندگی بر روحیات شاعر و به واسطه، بر انتخاب وزن اشعار اسیر شهرستانی مؤثرند.
- ۴- با بررسی ۸۷۱ غزل از نظر تعداد افعیل عروضی در هر بیت، مشخص شد که ۶۹۴ غزل مثنی و تنها ۱۷۶ غزل مسدس و ۱ غزل مربع است و این با مضمون‌گرا بودن شاعر که به دنبال وزنهای طولانی‌تر بوده، کاملاً متناسب و با شرایط اجتماعی دوره صفوی سازگار است.
- ۵- کاربرد بحور طولانی و مثنی بر انتخاب ردیف‌های طولانی و جمله‌ای مؤثر بوده است.
- ۶- اسیر با علم به تأثیر موسیقی شعر بر خواننده، هر جا موسیقی قافیه به حد مطلوب نمی‌رسیده، ضعف آن را با آوردن ردیف جبران کرده است، تا مسئله تأمل و مجال تفکر در شعرش را بیش از پیش ایجاد کند.
- ۷- با بررسی ردیف‌های یک شاعر می‌توان به روحیات و شخصیت شاعر که تحت تأثیر وضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ... شکل گرفته است، پی برد.
- ۸- درست است که بحر رمل با مزاحفاتش مورد توجه شاعر غزل‌سرا بوده است، اما بحرهای مزاحف زیر از بسامد قابل توجهی برخوردار هستند: ۱- بحر مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف (مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن: ۱۵۵ غزل ۲- بحر مجتث مثنی مخبون مقصور (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن): ۹۵ غزل
- ۹- بحرهایی که در ارکان آن رکن فاعلاتن همچنان حضور دارد تا معلوم شود سنجینی و وقار و بالطبع حزن‌انگیزی در بیشتر غزلیات او ویژگی اصلی محسوب می‌شود.



منابع:

- ۱- اسیر شهرستانی، ج، ۱۳۸۴، دیوان غزلیات اسیر شهرستانی، تصحیح و تحقیق دکتر غلامحسین شریفی ولدانی، انتشارات میراث مکتوب.
- ۲- باستید، ر، ۱۳۷۴، هنر و جامعه، ترجمه‌ی غفار حسینی، تهران، توس.
- ۳- برزگر خالقی، م، مجله فنون ادبی، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- ۴- دیجز، د، ۱۳۶۶، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی - محمدتقی صدقیانی، انتشارات علمی.
- ۵- شریفیان، م، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی - نشریه علمی پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، سال ششم، شماره بیست و پنجم، بهار ۸۹.
- ۶- شفیعی کدکنی، م، ۱۳۸۹، موسیقی شعر، تهران، انتشارات آگاه.
- ۷- شمیسا، س، ۱۳۸۹، آشنایی با عروض و قافیه، تهران، انتشارات میترا.

- ۸- شمیسا، س، ۱۳۸۰، سیر غزل در شعر فارسی، تهران، انتشارات فردوس.
- ۹- صائب تبریزی، م، ۱۳۶۴، دیوان، به کوشش محمد قهرمان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۰- صفا، ذ، ۱۳۸۲، تاریخ ادبیات ایران، جلد ۴ و ۵/۱، چاپ سوم، انتشارات فردوس.
- ۱۱- طاهباز، س، ۱۳۸۵، نیما یوشیج - درباره‌ی هنر و شعر و شاعری، موسسه انتشارات نگاه، تهران.
- ۱۲- فشارکی، م، ۱۳۷۲، عروض سیفی و قافیه جامی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- فضیلت، م، ۱۳۷۸، آهنگ شعر فارسی، تهران، سمت، چاپ اول.
- ۱۴- قیس الرازی، ش، ۱۳۸۸، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش سیروس شمیسا، تهران، فردوس.
- ۱۵- ماهیار، ع، ۱۳۸۸، عروض فارسی، شیوه‌ای نو برای آموزش عروض و قافیه، نشر قطره.
- ۱۶- مسگرزاد، ج، ۱۳۷۸، مختصری در شناخت علم عروض و قافیه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۷- ناتل خانلری، پ، ۱۳۷۳، وزن شعر فارسی، نشر توس، تهران.
- ۱۸- نصرآبادی، م، ۱۳۱۷، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، کتابفروشی ارمغان.
- ۱۹- نصیرالدین طوسی، م، ۱۳۶۹، معیار الاشعار، تصحیح جلیل تجلیل، جامی و ناهید، چاپ اول.
- ۲۰- نوروزی، ج، ۱۳۷۰، عروض آسان و قافیه و شعر نو، شیراز، نوید، چاپ اول.
- ۲۱- وحیدیان کامیار، ت، ۱۳۶۷، وزن و قافیه شعر فارسی، نشر دانشگاهی، تهران.
- ۲۲- وحیدیان کامیار، ت، ۱۳۷۰، بررسی منشأ وزن شعر فارسی، نشر آستان قدس رضوی، تهران.

